

### در حال اعتصاب (۳)

#### برگردان خلیل ورمزیاری

#### اعتصاب معلمان کبک

روز ۲۴ نوامبر سال ۱۹۶۶، ۵۰۰ معلم در **یاماسگا** و حومه جنوب شرقی **مونترال** بخاطر رد تقاضای افزایش حقوق معلمان این نواحی از سوی هیئت امنای مدارس دست از کار کشیدند. با بسته شدن مدارس این نواحی، ۹۰۰۰ شاگرد قادر به حضور بر سر کلاس درس نشدند

شکست مذاکرات در حل این اختلاف و سایر مسایل مربوط به بخشهای دولتی، عمدتاً نتیجه سیاستهای سختگیرانه دولت ایالتی در زمینه افزایش دستمزد ها بود. دولت ایالتی در آن سالها سقف افزایش حقوق بخش دولتی را ۶ درصد تعیین کرده بود. دولت تهدید کرده بود که، در صورت عدم پیروی هر کدام از هیئت امنای نواحی و شهرها از سقف تعیین شده از سوی دولت، از طریق محروم ساختن آنها از بودجه کمکی، آنها را تنبیه خواهد کرد. از آنجاییکه این نوع کمکهای دولت ایالتی ۶۳ درصد بودجه مدارس خارج از مونترال را تامین میکرد، هیئت امنای بسادگی قادر نبود مقررات تعیین شده از سوی دولت را نادیده گیرد. شهر مونترال و مدارس و هیئت امنایشان، شامل چنین تنبیهاتی نمیشدند؛ زیرا آنها بر اساس تعداد دانش آموز در هر کلاس بودجه مشخصی دریافت میکردند.

در طی ۶ سال قبل از اعتصاب، حقوق معلمان در این ایالت برای متناسب بودن با مالیاتها دو برابر شده بود. دولت ایالتی نگران این بود که معلمان درخواست افزایش حقوق را ادامه داده و دولت قادر به چنین کاری نشود. مقامات دولتی استدلال میکردند که با افزایش حقوق معلمان این ایالت در سالهای گذشته، دستمزد آنها معادل دستمزد معلمان در ایالت انتاریو است و نیازی به افزایش نیست.

دولت ایالتی **کبک** در نظر داشت دستمزدی یکسان برای همه معلمان در سراسر ایالت تعیین کند. هدف دولت این بود که بهترین معلمان تنها در سطح شهرها که سطح حقوق بالا تر بود متمرکز نشوند. در این مورد معلمان و خود هیئت امنای این امر راضی نبودند. معلمان نگران بودند که با اینکار دولت، اتحادیه، معلمان را مجبور خواهد کرد که به جای مذاکره با هیئت امنای خود، با آن مذاکره کنند. اکثر معلمان فکر میکردند که تعیین میزان حقوق از سوی دولت، قدم اول برای دخالت آن در امر مسایل داخلی آنهاست. معلمان استدلال کردند که تعیین سقف دستمزد ها از سوی دولت حق مذاکره آنها را با هیئت امنای نادیده گرفته است و اعلام نمودند که در مقابل ۶ درصد افزایش دستمزد تعیین شده، مقاومت خواهند کرد. هیئت امنای نیز بدلیل دخالت دولت در خودمختاری آنها، سیاست دولت را مورد انتقاد قرار دادند.

حول و حوش ماه ژانویه ۱۹۶۷، مذاکره بین کمیسیون مدارس کاتولیک مونترال و معلمان با بن بست روبرو گردید. کمیسیون، پیشنهادی مبنی بر ۶ درصد افزایش دستمزد در طول ۲ سال ارائه کرد؛ ولی معلمان روی افزایش ۱۸ درصدی پافشاری کردند. در آن زمان حداقل حقوق یک معلم جدید، با مدرک دیپلم دبیرستان و دو سال دوره آموزش تدریس ۳۸۰۰ دلار، در سال بود. معلمان فارغ التحصیل دانشگاه با دو سال سابقه دوره تربیت معلم و ۱۴ سال سابقه تدریس حداکثر تا ۱۰ هزار و ۴۰۰ دلار، در سال دریافت میکردند. افزایش حقوق درخواستی از سوی معلمان، چیزی بین ۴۴۰۰ برای دسته اول و ۱۲ هزار و ۳۰۰ دلار برای دسته دوم بود. کمیسیون در مقابل درخواست معلمان، پیشنهاد ۴۰۰۰ تا ۱۱۰۰۰ دلار را مطرح میکرد و استدلال مینمود که موافقت با پیشنهاد درخواستی، معلمان، ساکنین مونترال را مجبور خواهد کرد که مالیات بر ملک بالاتری را متحمل شوند (۱)

علاوه بر افزایش حقوق ها، معلمان درخواست نمودند که تعداد شاگردان باید در هر کلاس، محدود گردیده و آنها در امر اداره مدارس کنترل بیشتری داشته باشند.

روز ۱۳ ژانویه سال ۱۹۶۷، بعد از ۹ ماه مذاکره، ۹۰۰۰ معلم به توصیه همکاران خود در **یاماسکا** عمل نمودند. حدود ۲۱۷۰۰۰ دانش آموز بر اثر بسته شدن ۴۸۵ مدرسه ابتدایی و دبیرستان مونترال و حومه شمال آن، **کوته سنت لوی و سنت میشل** در خانه هایشان ماندند.

دو اتحادیه معلمان یعنی **اتحاد معلمان کاتولیک مونترال** با ۷۵۰۰ عضو و **فدراسیون انگلیسی زبان کاتولیک** با ۱۵۰۰ عضو، همان روز تظاهرات جداگانه ای برگزار کردند. **آیمی نالت**، رهبر معلمان فرانسوی زبان، به ۷۰۰۰ معلم، هوراکشان در محوطه **موریس ریشارد** گفت: « وقت آن فرارسیده است که معلمان را جدی بگیرند. معلمان مصممند تا کسب پیروزی به اعتصاب ادامه دهند.» او توضیح داد که ما تلاش خودمان را کرده ایم که جامعه از این اعتصاب دچار کمترین ناراحتی شود. او توضیح داد که مشکلات حاصله از این اعتصاب برای دانش آموزان، بر عهده بیکیفیتی هیئت امنا و عدم توجه آنها به معلمان میباشد. او گفت که علت اساسی این اعتصاب محدود شدن ۶ درصدی افزایش دستمزد ها از سوی دولت ایالتی است.

**فیلیپ شور**، رهبر اتحادیه انگلیسی زبان نیز با تایید موضع سایر رهبران اتحادیه ها اعلام نمود که، معلمان تا رسیدن به یک توافق در اعتصاب خواهند بود. در ضمن او قول داد، « ما پس از حل موضوعات مهم مورد اختلاف، مسایل جزئی را به حکمیت واگذار خواهیم کرد.» در جریان مذاکرات، هنوز حدود ۱۰۰ ماده از قرارداد دسته جمعی مورد اختلاف بود. اتحادیه اعلام کرد: «هیچگونه پیکتی در مدارس ایجاد نخواهد کرد، مگر هیئت امنای مدارس بخواهند در طول اعتصاب مدارس را باز کنند.»

۳۰۰۰ معلم مدارس پروتستان از اثرات این اعتصاب دور ماندند، اما با وجود این، آنها با معلمان مدارس کاتولیک احساس همدردی نموده و اقدام دولت را در این زمینه مورد انتقاد قرار دادند.

بعد از مذاکرات بی نتیجه آخر هفته، بین کمیسیون آموزش و پرورش با نمایندگان معلمان، **دانیل جانسون** نخست وزیر ایالت، کابینه خود را برای یک جلسه اضطراری به منظور مداخله در اعتصاب فراخواند.

روز بعد، ملاقات بین وزیر آموزش و پرورش ایالتی **ژان ژاک برترند** و هر دو طرف، به انتصاب **آندره مونت پتیت** از دادگاه عالی کبک بعنوان میانجی منجر گردید. قرار بر این شد که در صورت عدم دستیابی به توافق. میانجی، دو گزارش تهیه کند. گزارش اول مواد مورد توافق و مورد اختلاف را بطور علنی اعلام کند و دومین گزارش بطور محرمانه، به کابینه وزیران ارایه شود، که طی آن، میانجی نظرات خود را در زمینه اختلاف به دولت گزارش دهد.

همزمان با آن، **دونات کومپر** معاون وزیر کار ایالتی، بعنوان میانجی در اعتصاب مربوط به منطقه یاماسکا، منصوب گردید، اما انتصاب وی از سوی معلمان اعتصابی و هیئت امناء، مورد موافقت قرار نگرفت. زمانیکه امکان اعتصاب نامحدود، که به ۵۵ روز رسیده بود، تقویت گردید، **جانسون**، یک قاضی، بنام **ژاک باسکو** را مامور رسیدگی به اعتصاب نمود. در عین حال دولت تصمیم خود برای ارجاع به دادگاه عالی ایالت، برای خاتمه دادن به اعتصاب را اعلام نمود. هر دوی این اقدامات مطابق با قانون کار ایالت کبک بود. طبق قانون کار کبک، در صورت ادامه اعتصاب بیش از ۸۰ روز، دولت حق داشت، تحت عنوان به خطر افتادن سلامتی و منافع جامعه اعتصاب را لغو سازد.

در ضمن، در جریان این اعتصابات، روز ۲۰ ژانویه، ۵۰۰ معلم دبستانها و دبیرستانهای حومه در **پوینت کلیر** و **بیکونز فیلد** دست از کار کشیدند. همزمان با اعتصاب این دسته از معلمان، هیئت امناء و معلمان اعتصابی بر روی افزایش حقوقها به توافق رسیدند اما دولت ایالتی کبک این توافق را به خاطر تجاوز از حدود تعیین شده از سوی دولت رد نمود.

اکنون ۱۰۰۰۰ معلم در اعتصاب بودند. با اعتصاب این تعداد از معلمان ۲۴۰۰۰۰ دانش آموز قادر به حضور در مدرسه نبودند. در عین حال، معلمین در سایر نواحی و شهرها نیز، تهدید به اعتصاب مینمودند.

روز شنبه ۲۲ ژانویه، ۵۰۰ معلم ناحیه یاماسکا، حکمی از دادگاه دریافت کردند. بر طبق این حکم، معلمان میبایست روز بعد بر سر کلاسها حاضر شوند. کسانیکه حاضر به تبعیت از حکم دادگاه نمیشدند، تهدید به بازجویی شدند. ابتدا معلمان تصمیم داشتند برای خنثی کردن حکم دادگاه، دسته جمعی استعفا دهند، اما آنها قبل از اجرای تصمیم خود با حکم دادگاه رویرو شدند. در جلسه ای همانشب، معلمان طی یک رای گیری، تصمیم گرفتند تا بررسی حکم بازگشت به کار از سوی وکیل اتحادیه، بر سر کار باز نگردند.

روز دوشنبه، کمتر از ۲۰ درصد معلمان اعتصابی یاماسکا بر سر کار بازگشتند. در عین حال رهبران اتحادیه معلمان گفتند که، آنها باید بر سر کار بازگردند. روز ۲۵ ژانویه اعتصاب معلمان از سوی دولت و قانون ایالتی عملاً شکسته شد. معلمان عصبانی،

که از این تصمیم اهانت آمیز و عجیب بشدت ناراحت بودند اعلام کردند که، علیرغم بازگشایی مدارس، معلمان قادر به تدریس نخواهند بود.

جانسون وزیر ایالتی گفت، باوجود موافقت با ادامه اعتصاب معلمان، او معتقد است «حق آموزش دانش آموزان بر حق اعتصاب معلمان مقدم دارد.» او در ادامه اضافه کرد: «برای معلمان، جلوگیری از محروم شدن دانش آموزان از یک سال تحصیلی، بهتر از دفاع معلمان از اعتصاب بعنوان یک امر پرنسپی است.»

علیرغم اخطار جانسون و بکارگیری حکم دادگاه، ۱۲۳۹ معلم در منطقه **ترویس ریورس**، روز ۲۷ ژانویه دست از کار کشیدند و ۲۶۰۰۰ دانش آموز در خانه های خود ماندند. اینجا نیز مثل سایر قسمتهای ایالت، مساله افزایش حقوق، علت اساسی اعتصاب بود.

از اینکه از هر ۵ دانش آموز مدارس کلاتولیک یک شاگرد بر اثر اعتصاب در خانه مانده بود، افکار عمومی، که در ابتدا به نفع معلمان بود، بتدریج علیه معلمین اعتصابی گرایش پیدا کرد. چند گروه از خانواده های دانش آموزان، در شهرهای مختلف تظاهراتهایی سازمان دادند. ۳۰۰ نفر از والدین و دانش آموزان در مقابل دفتر مرکزی کمیسیون آموزش و پرورش دست به تظاهرات زده و شعار «ما مدرسه می خواهیم» سردادند. والدین این دسته از دانش آموزان تهدید کردند که، در صورت ادامه اعتصاب از پرداخت مالیات خودداری کرده و در سطح ایالت، یک تظاهرات سراسری سازمان خواهند داد. بعلاوه در صورت عدم بازگشت معلمین بر سر کار، مدرسه ها را در اختیار گرفته و آنها را خود اداره خواهند کرد. **انجمن والدین مدارس کاتولیک کبک** با ۱۰۰۰۰ عضو، از دولت خواست که، موادی را در قانون کار بگنجانند که طبق آن اعتصاب در بخش خدمات ضروری و از جمله آموزش و پرورش را ممنوع سازد.

در موتترال، بار دیگر روز ۷ فوریه، پس از عدم قبول پیشنهاد کمیسیون، از سوی رهبران معلمان، مذاکره به بن بست رسید. کمیسیون اعلام نمود که، درخواست معلمان، حقوقها را ۱۲ درصد افزایش خواهد داد، اما معلمان با رد ادعای کمیسیون اعلام کردند که پیشنهاد آنها حقوقها را از ۱۰ درصد بیشتر افزایش نمیدهد.

روز ۱۰ فوریه، اعتصاب با پیوستن ۱۳۰۰ معلم در مناطق **گنپنی، شاوینگان، فورت جمبلی** و سایر مراکز کوچک گسترش یافت.

همان روز، دولت لایحه ای را در پارلمان طرح نمود که، طبق آن، روی حق دانش آموزان تاکید شد و خواهان سیستم تازه ای برای قرارداد دسته جمعی برای معلمان گردید. لایحه مزبور میخواست حق اعتصاب معلمان تا یکسال، یعنی ۳۰ ژوئن ۱۹۶۸ به حالت تعلیق درآید. این لایحه معلمان را مجبور میکرد، تا ظرف ۴۸ ساعت، بر سر کار بازگردند. در ضمن طبق این لایحه، قرارداد دسته

جمع‌ی فعلی تا ۳۰ ژوئن ۱۹۶۸ تمدید می‌شد. بنا بر این طرح، حداقل افزایش حقوق برای معلمینی که قرارداد دسته جمعیشان منقضی شده بود ۴۰۰ دلار در نظر گرفته شده بود. برای آندسته از معلمانی که هنوز قراردادشان منقضی نگردیده بوده و بین ۱۰ فوریه تا ۳۰ ژوئن ادامه داشت ۲۰۰ دلار افزایش حقوق در نظر گرفته شده بود. در ضمن، این لایحه خواهان ایجاد کمیته‌ای بود که در آن نمایندگان دولت، هیئت امنای مدارس و نمایندگان معلمین وجود داشته باشند و به جای قرارداد های جداگانه در هر منطقه، قراردادی به امضا برسد که شامل همه معلمان در ایالت باشد.

این لایحه توفانی از مشاجرات را در ایالت دامن زد، زیرا اتحادیه‌ها این امر را بعنوان «یک تعرض بیش‌رمانه به حقوق انسانی خود ارزیابی کردند.» به محض علنی شدن لایحه، هزاران معلم استعفانامه خود را امضا کردند. نخست وزیر ایالت کبک جانسون، در دفاع از لایحه گفت: «ما باید یک نوع اتوریته داشته باشیم؛ والا، بسوی هرج و مرج خواهیم رفت.»

در جریان مناظرات قانونگذاری بر سر لایحه ۲۵، پال دوزویس وزیر دارایی ایالت، توضیح داد: «مساله ربطی به آزادی اتحادیه‌ای و سیستم دموکراسی ندارد، بلکه این امر به آینده اقتصادی این ایالت مربوط است. بدون تعیین سقفی برای افزایش حقوقها، ما باید در بخش خدمات عمومی بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ میلیون خرج کنیم. ما با افزایش حقوقها، اقتصاد این ایالت را ویران خواهیم کرد. ما با یک دور افزایش دستمزد ها در بخش خدمات عمومی روبرو هستیم و این بار ستگینی بر این ایالت است که منجر به کندی رشد اقتصادی ما خواهد شد.»

رهبر اپوزیسیون از حزب لیبرال، ژان لساز از معلمان خواست که بر سر کلاسهای خود برگردند، اما در عین حال از دولت خواست که شرایط کار را که معلمان کنترلی بر آن ندارند بر آنها تحمیل نکند.

مذاکرات دقیق آخر بین نمایندگان دولت و معلمان به نتایج رضایت بخشی منجر نگردید و روز ۱۷ فوریه لایحه جنجالی دولت به تصویب پارلمان رسید. اتحادیه های معلمان کاتولیک ایالت که ۵۳ هزار معلم را نمایندگی میکردند از همه معلمان خواست که یکروز در سراسر این ایالت علیه دولت تظاهرات کنند. ۶ هزار معلم وابسته به انجمن معلمان پروتستان به این درخواست جواب مثبت دادند. حدود ۶۲ هزار معلم عمدا با نادیده گرفتن قانون ایالت بر سر کلاس حاضر نشدند.

یکی از معلمان احساس خود را نسبت به اعتصاب چنین بیان کرد: «من به چه چیزی شبیه خواهم بود اگر تحت تهدید چماق بزرگ دولت سینه خیز بر سر کلاس حاضر شوم؟ من با شاگردان ۱۵ و ۱۶ ساله خود چگونه روبرو خواهم شد؟ آنها فکر خواهند کرد که من بزدل هستم.» سخنگوی معلمان اعلام نمود که شغل و حرفه آنها چه از سوی دولت و چه از سوی شهروندان، محترم شمرده نشده است. عمل دولت آخرین ضربه به احترام حرفه ای است که معلمان خواهانش بودند.

باوجود آمادگی معلمان برای ادامه اعتصاب، علیرغم تصویب قانون بازگشت بکار، رهبران اتحادیه برای جلوگیری از جریمه و

زندانی احتمالی علیه کسانی که حاضر به بازگشت به کار نبودند، سرانجام معلمان را مجبور به شکستن اعتصاب کردند. معلمان با بیمیلی تمام به کلاسها بازگشتند، اما تصمیم گرفتند در پایان سال بصورت دسته جمعی استعفا دهند. با وجود این، استعفای دسته جمعی عملی نشد و در طی ۵ سال بعد، اعتصاب قابل ملاحظه ای از سوی معلمان، در این ایالت روی نداد.

.....

....(۱) در کشورهایی که با سیستم فدرالی اداره میشود، قدرت دولت در سطح مرکزی، ایالات و شهرها تقسیم میشود و هر کدام با وظایف مختلف، به لحاظ اجرایی، حدود و ثغور خاص و معینی دارند. در کانادا مدارس و آموزش و پرورش زیر نظر شهر و شهرداریها کار میکنند. خود شهر، برای سهولت خدمات رسانی، به مناطقی تقسیم میشود که در این مناطق هیئت امنای مدارس با رای مردم انتخاب میشوند و در مقابل امور آموزشی مسئولیتهای خود را پیش میبرند. بخشی از بودجه این هیئتها از طریق مالیات صاحبان خانه مستقل و املاک تامین میشود. استدلال هیئت امنای مدارس در این اعتصاب این بود که اگر بخواهد با درخواست افزایش حقوق معلمها موافقت کند، شهرداری مجبور خواهد بود مالیات صاحبان خانه و املاک را افزایش دهد.